

هفت نگاه

مجموعه عکس‌های منتخبی از دانشجویان عکاسی دانشگاه پیام نور، تبریز

مدرس دوره و نمایشگاه گردان: ه. حسن بایرام‌نژاد

عکاسان: احمد گل محمدی فخری، اسد راستگوی سار، رضا جهدی،

زهره خداداده، سمیرا آقاویردی، مسعود هدایتی، یلدا شیر

نویسندگان مقدمه: محسن بایرام‌نژاد، کریم متقی، میثم صادق‌پور

طراح گرافیک: میلاد مهرگان

ناظر چاپ: مهرداد ربیع‌لله

شرکت مهر رایان چاپ تبریز

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

انتشارات کتاب پرگار، تهران - زمستان ۱۳۹۵

سرشناسه: بایرام‌نژاد، محسن - گردآورنده / عنوان و نام پدیدآورنده: هفت نگاه؛ مجموعه عکس‌های منتخبی از دانشجویان عکاسی دانشگاه پیام نور

تبریز / نویسندگان مقدمه: محسن بایرام‌نژاد، کریم متقی، میثم صادق‌پور / مشخصات نشر: تهران: چاپ پرگار، ۱۳۹۵ / مشخصات ظاهری: ۶۰

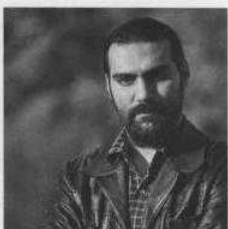
ص: مصور (بخش رنگی): ۲۰۲۰ س.م. / شابک: 978-600-97136-1-5 / وضعیت فهرست‌نویسی: ندارد / یادداشت: عکاسان احمد گل محمدی

فخری، اسد راستگوی سار، رضا جهدی، زهره خداداده، سمیرا آقاویردی، مسعود هدایتی، یلدا شیر / موضوع: عکاسی - ایران - تبریز - مجموعه‌ها /

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۷۲/۲۲۵۴/ TR۶۵۴ / رده‌بندی دیویی: ۷۷۹/۹۹۵۵۳۲۲۲ / شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۰۱۴۷۴

سپاس از همیاری و مساعدت‌های آقایان آرش کمالی، نادر فارغی (انجمن هنر عکاسی استان آذربایجان شرقی)،

سروش خیری (لابراتوار چاپ عکس سپنتا) و همچنین اساتید گروه «هنر و معماری» دانشگاه پیام نور تبریز، به پاس معلمی و آموزه‌های‌شان.



محسن بایرام‌نژاد

مدرس دوره و
نمایشگاه‌گردان

پاس‌داشتِ عکاسی هدفمند

«هفت نگاه» مجموعه‌عکس‌های منتخبی از دانشجویان رشته‌ی عکاسی (در مقطع کارشناسی) دانشگاه پیام نور تبریز را به نمایش گذاشته است؛ مجموعه‌هایی که نخست به‌عنوان پروژه‌ی کلاسی درس کارگاه مستند (ترم ۷) ارائه شده و بنا به ارزش‌های موضوعی/عکسی‌شان، جهت ارائه‌ی جدی‌تر (نمایش عمومی و کتاب عکس) کنار هم قرار گرفته‌اند.

دانشجویان این کلاس نرم به انتخاب موضوعی متناسب با رویکرد عکاسی مستند و بر اساس دغدغه‌های شخصی‌شان، و ارائه‌ی کار به‌شیوه‌ی مجموعه‌عکس، بوده‌اند - غرض، ارزش‌گذاری میان دو شیوه‌ی ارائه‌ی «تدوین عکس» و «مجموعه‌عکس» نیست که هر یک ساز و کار مختص به خود را دارد، اما به‌مثال «ارائه‌ی گروهی»، پراکندگی‌های ناگزیر تک‌عکس از یک‌دستی آثار و امکان درک صحیح خواسته‌های عکاس توسط مخاطب خواهد کاست. رویکرد مستندگرایی نیز نه به‌سان یک ارزش نه در راستای اهداف تعیین‌شده برای دوره‌ی مورد اشاره و آموزش‌های پیشین کلاسی انتخاب شده و در نمایشگاه پیش رو، در اشکال متنوع خود ارائه گشته است. صفت «مستند» اساس دغدغه عکاس و در تعریف رویکرد او نسبت به موضوع در کنار عکس‌ها قرار می‌گیرد. مستند در این کلاس و به‌دست عکاسان این نمایشگاه محدود نشده است - آنچه که بود و وجود عینی داشته، در طرق مختلف (اعم از فرم‌گرایانه، چشم‌اندازگونه، شخصی‌شده، فلسفی‌شده، روزانه یا با هدف صرف نمایش)، با ادعای عدم کج‌نمایی موضوع، در معرض دید عموم قرار گرفته است. مجموعه‌عکس‌های ارائه‌شده در این نمایشگاه همه‌گی با گزاره‌ای به‌قلم عکاس (Statement) دیده خواهند شد که این تاکتیک برای مقابله با تفسیرهای ناگزیر مخاطب و غنای ارزش‌های استنادی مجموعه‌عکس‌ها به کار گرفته شده است.

یکی از ایده‌آل‌های عکاسی جدی و فکرشده، رهایی‌یافتن از بال و پر زدن بیهوده جهت خودنمایی و موفقیت‌جویی است. عکاس هدفمندی که راه خود را بر اساس دغدغه‌های شخصی‌اش پی می‌گیرد، بی‌توجه به حاشیه‌های انرژی‌بر، تمرکز خود را به اشتراک ماحصل زندگی خویش با مخاطب صرف می‌کند. مخاطب آثار نیز در رابطه‌ای مستقیم، با درک کیستی عکاس و چیستی دغدغه‌هایش، وی و اثر او را جدی تلقی خواهد کرد. این نکته‌ی الهام‌بخش، موضوعی‌ست که بارها در کلاس مذکور برجسته شده و عکاسان حاضر در این نمایشگاه، در پاس‌داشتِ همین دیدگاه به فعالیت پرداخته‌اند.

رویدادسازی و کنش عکاسانه



کریم متقی
مؤلف و مدرس عکاسی

اگر عکاسی را (به گفته‌ی هالا بلاف) در قالب عکاسی مستند، عکاسی هنری و عکاسی شخصی تقسیم‌بندی کنیم، یقیناً عکاسان مختلف هر یک در نوع کار خود، نمونه‌ی بارز نقش‌های متفاوت هنرمند، گزارشگر و گاهی روانشناس و جامعه‌شناس به خود می‌گیرند. هرچند واقعیت‌ها (به گفته‌ی کارتی‌ه-برسون) به خودی خود دارای جذابیت اندکی هستند، با این حال به واسطه‌ی این واقعیت‌هاست که می‌توانیم به درکی از قوانین حاکم بر آن‌ها دست یافته و به شیوه‌ی بهتری به انتخاب واقعیت‌های اصلی - که بیانگر حقیقت هستند - نایل شویم. عکاسی (به گفته‌ی وینوگراند) عبارت است از دریافت (دیدن) و توصیف (کار با دوربین برای ثبت).

در پی مقدمه‌ی مذکور، این عکس‌ها توصیف‌گرهایی دو بُعدی هستند که با نگاه شخصی عکاس، تفسیر و نتیجه‌گیری را به مخاطب می‌سپارند. نگاه‌های جستجوگری که بر بی‌تفاوتی (ا تمایلی) نگاه مخاطب و پیرامون، تلنگر زده و بیدارباش می‌گویند. مطابق با تکالیف کلاسی و انتخاب آزاد، در هیچ کدام از آثار نقش عکاس مشاهده نمی‌شود و خودداری آن‌ها از تفسیر رویداد، در جهت انگیزش شور و هیجان مخاطب است که ببیند و از خوانش عکاس رمزگشایی کند.

اگرچه امروزه عکاسی به جزء آشنای زندگی روزمره تبدیل شده و در مدت قابل توجهی وسایل ارتباط جمعی را سشار کرده، اما بسیاری از علاقه‌مندان عکاسی با گوناگونی‌های تاریخی، زیباشناختی و فرایندها، رسد با آن نا آشنا هستند. این امر با گسترش تکنولوژی دیجیتال نمودی بیش از پیش نیز پیدا کرده است. ایجاد رشته‌ی اختصاصی عکاسی در (دانشگاه پیام نور) تبریز، به عنوان خاستگاه نشر عکاسی دوره‌ی قاجار، فرصتی به وجود آورده تا شاید از پریشانی و پراکنده‌کاری در این عرصه کاسته شده و کاربران عکاسی کنشی هدفمند و با برنامه در روند عکاسانه در پیش‌بینی نمایشگاه مجالی‌ست برای تکریم عکاسی هدفمند و با برنامه که در این میان حضور فیزیکی شهر و تبعات زندگی شهرنشینی و شهروندی، این عکاسان را بران داشته تا نه فقط رویدادپردازی صرف، بلکه با اتخاذ کنش عکاسانه، رویدادسازی کنند. ترافیک هوایی، گسترش شهرسازی، دست‌کاری در طبیعت پیرامون شهر، جلوه‌ی خاکستری شهر، زن نمادین، کوچه‌های تنگ و نگاه‌های آبی و حیرت‌زده‌ی انسان‌های شهری شده، موضوعاتی هستند که در قالب تجربه‌های بدیع دانشجویی، و مؤکداً هدفمند، مورد کنکاش قرار گرفته و گوشه‌ای از عرصه‌های نهان، ولی ملموس زندگی شهری را به نمایش گذاشته است.

لذت تجربه



میثم صادق پور

مدیر گروه هنر و معماری
دانشگاه پیام نور تبریز

کمتر از یک سده‌ی پیش بود که موریس مرلوپونتی، با لحنی پیش‌گویانه، قرن آینده را «قرن تصاویر» نامید. این پیشگویی هم‌اکنون به‌تمامی محقق شده و زندگی «امروزی» جز در حضور تصویر به‌هم نمی‌رسد. در این میان، عکاسی به‌عنوان هنری جوان که بخشی مهم و نه‌زیاد - از تاریخ هنر با به‌خود اختصاص داده، نقشی بی‌بدیل در فوران تصویری عصر حاضر دارد. زمانه‌ای که برخاسته از آن را حتی به تصویرزدگی متهم نموده‌اند. لیکن، راست‌سخن این است که عکاسی - در نهایت شدت - خیره در جهان شده و در حال بازتعریف وجهی از هستی (و نیستی) است که میزان تأثیرش بر فرد مخاطب، گاهی اوقات به اعجاز پهلوی می‌زند. «هفت‌نگاه» شامل هفت مجسمه‌ی مس‌آلود است که با رویکردی مستندگرایانه سراغ دغدغه‌ها و جهات شخصی‌شان رفته‌اند. اما این رویکرد یکسان، به هیچ روی مانع از گونه‌گونی در نوع بیان و ابراز فردیت حساسان نبوده است. از این‌رو، گردش در میان عکس‌های «هفت‌نگاه»، مزه‌کردن لذت تجربه‌ی آگاهی است.

«هفت‌نگاه» ما را به تماشای دنیایی می‌برد که چرخشش دور هر دور، دیگرگونه می‌نماید. گاه کوهی را می‌بینیم که چون جان‌داری از اعماق تاریخ به نشانه‌های جهان‌نوا زل زده است. عکسی علیه زمان و با این‌همه در بند نظم زمان. گاه شاهد ساختمان‌هایی در مه و غبار هستیم. نمادی از چند گناه کبیره شاید. گاه عناصری را می‌بینیم که نوع جانی هستند و استیصالی را نمایش می‌دهند که در بطن تصویر نهفته است؛ کبیره در مفاک اجتماع. گاه با یک جغرافیای انتزاعی روبرو هستیم. دروازه‌ای معانی را بر روی دیده‌گان مان گشوده شده است؛ زنده‌ای با عمری باستانی. گاه با انهدام زیبایی‌شناسی زندگی، طبیعت در آستانه‌ی خردشدن و تسری مرگ به تمامی اجزاء مرعوب می‌شویم. گاهی سرک در کوچه‌هایی می‌کشیم که مدت‌هاست دست به دعا دارند تا شاید گذر روحی شاد را جشن بگیرند. انگار شمایل‌هایی هستند در حال تبدیل به «امر والا»؛ چیزی که کانت آن را برتر از زیبایی می‌دانست و مخاطب را در مقابلش بهت‌زده. و گاه تنها با تفرّد محض هم‌سفر هستیم. با چشمانی مردود اما خونسرد.